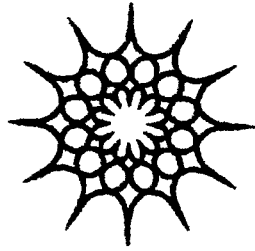


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایان نامه دکتری در رشته علوم سیاسی
(گرایش اندیشه سیاسی)

موضوع:

فلسفه سیاسی کانت

اندیشه سیاسی بر زمینه فلسفه نظری و اخلاق

۱۳۸۲ / ۱۶ / ۲۰

۱۳۸۲ / ۱۶ / ۲۰

نویسنده:

سیدعلی محمودی

استاد راهنما:

دکتر رضا داوری اردکانی

استادان مشاور:

دکتر میر عبدالحسین نقیب زاده

دکتر کریم مجتهدی

استادان داور:

دکتر غلامرضا اعوانی

دکتر محمد رضوی

بهار ۱۳۸۱

۴۸۹۸۹

وزارت اطلاعات و امور علمی ایران
تسلیب

فلسفۀ سیاسی کانت

اندیشهٔ سیاسی بر زمینۀ فلسفۀ نظری و اخلاق

فهرست مطالب

۸	چکیده
۱۰	سالشمار زندگانی کانت
۱۳	پیش‌گفتار
۱۳	برآمدن فلسفه سیاسی کانت: پاسخی نو به چالش‌های تازه
۱۸	موضوع اصلی و فرضیه‌های پژوهش
۲۰	روش‌شناسی پژوهش
۳۴	متون فلسفه سیاسی کانت: ساختار، پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها
۳۹	ساماندهی و ساختار پژوهش

بخش یکم: فلسفه نظری

۴۹	عقل محض، آزمون‌شناسایی و بیداری از خواب جزم‌گرایی
۴۹	گستره شناسایی و نقد آن
۵۶	منطق استعلایی
۶۳	ایده‌های استعلایی: روان، جهان، خدا
۶۹	روش‌شناسی عقل محض
۷۵	انسان، درک‌شاکش جزم‌اندیشی و شک‌گرایی

بخش دوم: فلسفه اخلاق

۸۵	فصل نخست. غایت‌گرایی بر زمینه مابعدالطبیعه اخلاق
۸۵	اخلاق سودگرا، اخلاق وظیفه‌گرا

۹۰	«حکم تنجیزی» و کاربردهای آن
۱۰۰	ذات خردمند در «قلمرو غایات»
۱۰۸	فصل دوم. «برترین خیر» و اصلهای عقل عملی محض
۱۰۸	انسان، اراده و آزادی
۱۱۳	طبیعت، آزادی و دیالکتیک عقل
۱۱۶	آزادی استعلایی، بقای نفس، هستی خدا
۱۲۴	فصل سوم. انسان‌شناسی غایت‌گرا
۱۲۴	الزام، حق و قانون
۱۲۸	انسان: غایت ذاتی و فی‌نفسه
۱۳۳	روابط اجتماعی و کردارهای اخلاقی

بخش سوم: فلسفه سیاسی

۱۴۵	فصل نخست. انسان، طبیعت و تاریخ
۱۴۵	انسان و «جامعه‌پذیری غیراجتماعی»
۱۵۰	خردگرایی و فرایند روبه پیشرفت تاریخ
۱۵۴	کانت و هرِدِر، نظم مدنی و «آنارشی»
۱۵۹	فلسفه تاریخ غایت‌گرا
۱۶۶	فصل دوم. خرد، اخلاق و سیاست
۱۶۶	خرد خود بنیاد و قانونمند
۱۷۱	سازگاری اخلاق و سیاست و بت عیار «مصلحت‌گرایی»
۱۷۶	«سیاستمدار اخلاقی» و «اخلاقمدار سیاسی»
۱۸۷	فصل سوم. روشنگری: خود انگیختگی و خوداندیشی
۱۸۷	روشنگری، نقادی و نوگرایی
۱۹۳	حقوق طبیعی، خرد خودبنیاد و انقلاب

۲۰۰	کانت و روشنگری خردگرایانه
۲۰۶	کاربرد خرد در امور خصوصی و عمومی
۲۱۳	روشنگری، تنگناها و دشواریهای آن
۲۲۴	فصل چهارم. آزادی، برابری و استقلال
۲۲۴	ایده‌های پیشینی عقل عملی
۲۲۷	آزادی، قانون و سعادت افراد
۲۳۴	آزادی اندیشه، بیان و قلم
۲۴۰	برابری اتباع در جامعه همسود
۲۴۷	استقلال شهروندان بر پایه دارایی
۲۵۶	فصل پنجم. بنیادهای فلسفی جامعه مدنی
۲۵۶	حق، قانون و جامعه مدنی
۲۶۳	بنیادهای نظام جمهوری
۲۶۵	نظام جمهوری بر پایه قرارداد اجتماعی
۲۷۳	پشتوانه‌های اخلاقی و قانونی قرارداد اجتماعی
۲۷۸	فصل ششم. حکومت قانون‌گرای مدنی
۲۷۸	قانون اساسی مدنی و حقوق شهروندی
۲۸۲	نیروهای سه‌گانه در حکومت مدنی
۲۸۴	حکومت فردی، حکومت اشرافی و دموکراسی
۲۸۹	کانت، دموکراسی نمایندگی و نظام جمهوری
۳۰۲	فصل هفتم. حاکمیت و اقتدار
۳۰۲	نسبت شهروندان و حکومت مدنی
۳۰۶	اطاعت شهروندان و رد شورش و نافرمانی
۳۱۲	از «نافرمانی مدنی» تا مقاومت براندازنده
۳۱۵	مقاومت مشروع بر پایه اصل استعلایی حق عمومی

۳۲۰	زمینه اجتماعی - سیاسی سرزمین پروس و تنگناهای کانت
۳۲۸	کانت و پدیده انقلاب: داوری فیلسوفانه
۳۳۴	اصلاحات از درون، یا انقلاب از بیرون
۳۴۲	فصل هشتم. دارایی بر پایه ایده عقل عملی محض
۳۴۲	مفهوم دارایی در نظریه‌های سیاسی
۳۵۰	مالکیت و دارایی در فلسفه سیاسی کانت
۳۵۴	حق طبیعی، دارایی و کاربرد زور
۳۵۷	دارایی و حقوق شهروندی
۳۶۳	فصل نهم. زنان، شهروندان منفعل
۳۶۳	نابرابری زن و مرد و قرارداد ازدواج
۳۶۸	زن، دارایی مرد و لعبت والا
۳۷۱	زنان و شخصیت فردی کانت
۳۷۴	زنان و زمانه کانت
۳۷۸	زنان و دشواریهای فلسفه کانت
۳۸۷	فصل دهم. صلح پایدار، فدراسیون جهانی و آینده بشریت
۳۸۷	پیش‌زمینه‌های صلح پایدار
۳۹۷	شرط‌های بنیادین صلح پایدار
۴۰۶	تضمین‌های صلح پایدار
۴۱۰	صلح پایدار، از ایده آل تا واقعیت
۴۱۵	از «جامعه جهانی» تا «جامعه مدنی جهانی»
۴۲۵	فصل یازدهم. نهاد دین و نهاد سیاست
۴۲۵	دین ظاهری، دین باطنی
۴۲۸	نهاد دین: ایمان ناب دینی و ایمان تاریخی - کلیسایی
۴۳۷	کانت، فلسفه دین و رویارویی قدرت سیاسی

۴۴۲	اصولهای بنیادین نهاد دین
۴۴۶	استقلال نهاد دین از نهاد سیاست و «حق منفی» حکومت
۴۵۵	اصول ثابت، قرائتهای گوناگون و پدرسالاری دینی
۴۶۱	فصل دوازدهم. نقد قدرت و نقش فیلسوفان
۴۶۱	کشاکش فلسفه و سیاست
۴۶۴	استقلال نهاد دانش و اندیشه از نهاد سیاست
۴۶۹	فیلسوفان سیاسی بر بام «فلسفه جهانی»: هویت و آموزه‌ها
۴۷۵	سلوک فیلسوفانه، خطر خیزی و ویرانگری
۴۷۸	دانشکده فروتر فلسفه و کاخ فراتر سیاست

بخش چهارم: برآیند

۴۸۴	فصل نخست. آموزه‌های فلسفه سیاسی کانت
۵۰۶	فصل دوم. تنگناها و شایستگیهای فلسفه سیاسی کانت
۵۰۶	فلسفه سیاسی کانت بر شالوده فلسفه نظری و فلسفه اخلاق
۵۱۳	ناسازگاری در اندیشه‌های سیاسی کانت
۵۱۷	تأثیرپذیری تاریخی در فلسفه سیاسی کانت
۵۲۲	فلسفه سیاسی کانت و «نظریه حکومت»
۵۲۵	«آسمان پرستاره» و «قانون اخلاقی»: شهر خدا و شهر دنیا
۵۲۸	کتابنامه

چکیده

رساله حاضر در پی فهم، تحلیل و نقد فلسفه سیاسی ایمانوئل کانت بر زمینه فلسفه نظری و اخلاق وی و تبیین نسبت آن با «نظریه حکومت» است. شالوده این پژوهش بر آزمون و اثبات چهار فرضیه نهاده شده است: نخست اینکه؛ اندیشه‌های سیاسی کانت بر پایه فلسفه نظری و فلسفه عملی او استوار است. دوم اینکه؛ اندیشه‌های یادشده در مواردی دارای ناسازگاری (متناقض، متناقض‌نما) است. سوم اینکه؛ این اندیشه‌ها در مواردی فاقد عینیت و کلیت است و زیرتأثیر مستقیم رخدادها و دگرگونیهای اروپا در قرن هجدهم قرار دارد. چهارم اینکه؛ اندیشه‌های مورد نظر، به خاطر پراکندگی، ناپوستگی و عدم انسجام، دارای ویژگیهای لازم به عنوان «نظریه حکومت» نیست.

دشواریهای متون فلسفه سیاسی کانت و نیاز به فهم و تفسیر روشمند آن، نویسنده را به پدیدآوردن و کاربرد روشی ترکیبی یا سه‌گانه در مراحل پژوهش و نگارش این رساله وادار کرد. بر این اساس، روش فهم تفسیری (هرمنوتیک) با تکیه بر «متن» و «زمینه»، همراه با روش تحلیل مفهومی و ارزیابی انتقادی، در پژوهش حاضر به کار گرفته شده است. بر این اساس، جستار در زمینه‌های زبانی، فلسفی، تاریخی و شخصی کانت، در کنار مفاهیم فلسفه نظری، فلسفه عملی و فلسفه سیاسی وی انجام یافته است. سپس، اعتبار پیش‌فرضها و شالوده‌هایی که مفاهیم بر آنها بنیاد نهاده شده، مورد سنجش قرار گرفته و آنگاه، آموزه‌های فراهم آمده در فلسفه سیاسی کانت، با پیش‌فرضها و بنیانهای نظری او، در چارچوب ارزیابی انتقادی، مقایسه شده است.

تبیین پیوند جوهری میان فلسفه نظری و اخلاق کانت از یکسو و اندیشه‌های سیاسی وی از سوی دیگر، موجب شد که در آغاز این رساله، طرحی از فلسفه نظری و فلسفه اخلاق کانت ارائه شود. سپس، ابعاد گوناگون اندیشه‌های سیاسی کانت در باب فلسفه تاریخ؛ رابطه اخلاق و سیاست؛ روشنگری؛ آزادی، برابری و استقلال؛ بنیادهای فلسفی جامعه مدنی؛ قانون اساسی؛ نیروهای سه‌گانه؛ دموکراسی نمایندگی و نظام جمهوری؛ شورش، نافرمانی و انقلاب؛ نظریه دارایی؛ جایگاه زنان؛ صلح پایدار؛

نهاد دین و نهاد سیاست؛ و سرانجام نقش فیلسوفان در برابر قدرت سیاسی، تبیین، تحلیل و نقادی شده است.

کاوش در بنیانهای نظری آراء و آموزه‌های سیاسی کانت، بسیاری از ناسازگاریها را در ساحت فلسفه سیاسی وی، از پیش پا برمی‌دارد. برای نمونه، نویسنده در پژوهش حاضر از «اصل استعلایی حق عمومی» بر پایه حکم تنجیزی، به منظور تبیین مقاومت نامشروع و مشروع مردم در برابر حکومت، بهره گرفته است.

فلسفه سیاسی کانت، شالوده جامعه و حکومت مدنی در جهان پدیدارهاست، اما از سرچشمه‌های تابناک و زلال جهان خردمند سیراب می‌شود، از رهگذر عقل محض و عقل عملی با هستی پیوند می‌یابد، آسمان پرستاره را بر سرخود مشاهده می‌کند و قانون اخلاقی را در درون خود می‌یابد. از آن رو که فلسفه سیاسی کانت، با نگاه به انسان به مثابه غایت ذاتی و فی‌نفسه، از پدر مابعدالطبیعه برآمده و بر دامان پاک مادر اخلاق نشسته، وصول به «برترین خیر» را غایت نهایی خویش می‌داند و سر آن دارد که دمکراسی نمایندگی، حکومت قانون‌گرای مدنی و صلح پایدار را برگستره جهان، حاکم گرداند.

واژگان کلیدی: کانت، فلسفه سیاسی، عقل محض، اخلاق، آزادی، برابری، دمکراسی، دین، صلح پایدار، جامعه مدنی.

سالشمار زندگانی کانت

ایمانوئل کانت در ۲۲ آوریل در کونیگسبرگ - پروس شرقی - به دنیا آمد.	۱۷۲۴
به مدرسه ابتدایی وارد شد	۱۷۳۰-۲
به مدرسه عالی فریدریک (وابسته به کلیسای «جماعت پرهیزگاران» (Pietist) وارد شد.	۱۷۳۲-۴۰
به دانشگاه کونیگسبرگ راه یافت	۱۷۴۰-۶
اندیشه‌هایی در باب ارزیابی درست نیروهای زنده	۱۷۴۶
به‌عنوان آموزگار خصوصی خانواده‌های گوناگون در پیرامون کونیگسبرگ خدمت کرد	۱۷۴۷-۵۴
رساله خود را با نام طرح‌های فشرده برخی اندیشه‌ها در باب آتش به پایان برد و درجه دکتری خود را از دانشکده فلسفه دانشگاه کونیگسبرگ دریافت کرد	۱۷۵۵
روشنگری نو در باب نخستین اصل‌های مابعدالطبیعی	۱۷۵۵
تاریخ طبیعی عمومی و نظریه درباره آسمانها که کانت در آن یک نظریه ستاره‌شناسی را پیشنهاد کرد. این نظریه اکنون به‌عنوان فرضیه کانت - لاپلاس شناخته می‌شود	۱۷۵۵
جوهر فردشناسی (مونادگرایی) فیزیکی	۱۷۵۶
سه مقاله درباره علت زمین لرزه لیسبون	۱۷۵۶
درباره بادهای	۱۷۵۶
طرح درسهای جغرافیای فیزیکی	۱۷۵۷
نظریه تازه در باب حرکت و سکون	۱۷۵۸
کوشش در برخی اندیشه‌ها در باب خوش‌بینی	۱۷۵۹
موشکافی کذب چهار شکل قیاسی	۱۷۶۲
درباره به‌کار بردن مقادیر منفی در فلسفه	۱۷۶۳
تنها برهان ممکن در اثبات وجود خداوند	۱۷۶۳

مطالعاتی دربارهٔ احساس زیبا و والا	۱۷۶۴
پرسش در باب تفاوت اصلهای الهیات طبیعی و اخلاق	۱۷۶۴
تعبیر خوابهای یک پیشگو به وسیلهٔ خوابهای مابعدالطبیعه	۱۷۶۶
دربارهٔ تفاوت حوزه‌ها در فضا	۱۷۶۸
استاد منطق و مابعدالطبیعه در دانشگاه کونیگسبرگ. عنوان پایان‌نامهٔ انتصاب به	۱۷۷۰
مقام استادی در باب صورتها و اصلهای جهان حسی و جهان فکری	
نقد عقل محض، ویرایش نخست	۱۷۸۱
تمهیدات برای هرگونه مابعدالطبیعهٔ آینده که به مثابهٔ یک دانش ارائه می‌شود	۱۷۸۳
بازنگری کوشش شولتز در مقدمه بر یک آموزهٔ اخلاق برای تمامی انسانها،	۱۷۸۳
صرف‌نظر از دینهای گوناگون	
معنی تاریخ کلی همراه با مقصدی جهان‌شهری	۱۷۸۴
در پاسخ به پرسش: روشنگری چیست؟	۱۷۸۴
دربارهٔ آتشفشان‌های ماه	۱۷۸۵
بازنگری اندیشه‌های هردر در باب فلسفهٔ تاریخ بشر	۱۷۸۵
دربارهٔ نادرستی چاپ کتابهای غیرمجاز	۱۷۸۵
بنیاد مابعدالطبیعهٔ اخلاق	۱۷۸۵
به عضویت فرهنگستان علوم برلین برگزیده شد	۱۷۸۶
حدس‌هایی در باب آغاز تاریخ بشر	۱۷۸۶
بنیادهای مابعدالطبیعی دانش طبیعی	۱۷۸۶
جهت‌گیری در اندیشیدن چیست؟	۱۷۸۶
نقد عقل محض، ویرایش دوم	۱۷۸۷
نقد عقل عملی	۱۷۸۸
دربارهٔ کاربرد اصلهای غایت‌گرایانه در فلسفه	۱۷۸۸
نقد قوهٔ حکم، ویرایش نخست	۱۷۹۰
دربارهٔ ناتوانی تمامی کوششهای فلسفی راجع به دادگری خدایی	۱۷۹۱
دربارهٔ این گفتهٔ عادی: «ممکن است این [موضوع] در نظر درست باشد، اما در	۱۷۹۳
عمل کاربرد نداشته باشد.»	
نقد قوهٔ حکم، ویرایش دوم	۱۷۹۳

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران
تهیه مدرک

دین در حدود عقل تنها	۱۷۹۳
به عضویت فرهنگستان علوم سنت پترزبورگ برگزیده شد	۱۷۹۴
بازداشتن کانت از نوشتن و سخن گفتن در باب دین از سوی پادشاه فریدریک	۱۷۹۴
ویلهم دوم، به اتهام تحریف و فروآوردن جایگاه مسیحیت در دین در حدود عقل	
تنها	
پایان همه چیزها	۱۷۹۴
صلح پایدار: یک طرح فلسفی	۱۷۹۵
ماه جولای، آخرین سخنرانی کانت	۱۷۹۶
مابعدالطبیعه اخلاق	۱۷۹۷
درباره حق فرضی دروغ گفتن به انگیزه نوع دوستی	۱۷۹۷
انسانشناسی از دیدگاهی عملگرایانه	۱۷۹۸
کشاکش دانشکده‌ها. بخش دوم، طرح دگرباره پرسشی کهن: آیا نسل بشر بگونه‌ای	۱۷۹۸
پیوسته در حال پیشرفت است؟؛ یکی از مهمترین مقاله‌های کانت در باب اخلاق	
منطق	۱۸۰۰
کانت بیمار می‌شود	۱۸۰۳
آموزش و پرورش	۱۸۰۳
کانت در دوازدهم فوریه درمی‌گذرد، در بیست و هشتم فوریه به خاک سپرده	۱۸۰۴
می‌شود	

پیش‌گفتار

بنام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

برآمدن فلسفه سیاسی کانت: پاسخی نو به چالش‌های تازه

فیلسوفان و اندیشه‌وران با کاوش در تاریخ دراز و پر نشیب و فراز فلسفه، تقریباً با یکدیگر هم‌رأی و هم‌داستان‌اند که جهان از سپیده‌دم تاریخ تا کنون، سه فیلسوف بنیان‌گذار، بزرگ و ارجمند به خود دیده است. این فیلسوفان عبارتند: از افلاطون، ارسطو و کانت.^(۱) هر چند کانت با نقدهای سه‌گانه خویش دگرگونی‌هایی بنیادین در فلسفه نظری، فلسفه اخلاق، زیبایی‌شناسی و غایت‌شناسی پدید آورد، اما از اندیشه و تأمل در باب جامعه، تاریخ و سیاست فارغ نبود. نوشته‌های گوناگون کانت در مورد فلسفه تاریخ و فلسفه سیاسی، از نیروی فکری، ژرف‌نگری، نوگرایی و نبوغ حیرت‌انگیز وی حکایت می‌کند. با این وصف، جایگاه بلند و برجسته کانت در ساحت عقل نظری و عقل عملی از یکسو و فراهم‌نیاوردن شاهکاری هم‌سنگ نقدهای سه‌گانه در فلسفه سیاسی از سوی دیگر، موجب غفلت بسیاری از تاریخ‌گزاران فلسفه و حتی فیلسوفان کانت‌شناس نسبت به اندیشه‌های سیاسی وی شده است.

کانت را هنوز هم آنگونه که باید فیلسوف سیاسی نمی‌شناسند. با این داور نادریست، به‌نظر می‌رسد، پیش از جفا در حق این فیلسوف فرزانه، در حق فلسفه سیاسی جفا شده است. فلسفه سیاسی کانت بر شالوده فلسفه نظری و فلسفه اخلاق وی استوار است و بخشی پرمایه، ارزشمند و جدایی‌ناپذیر از مرده ریگ فلسفی وی به‌شمار می‌آید. از دهه ۱۹۷۰ با ترجمه نوشته‌های سیاسی کانت به زبان انگلیسی، این فیلسوف اندک‌اندک در

کشورهای انگلیسی زبان و به دنبال آن سایر کشورهای جهان، به عنوان یک اندیشه‌ور سیاسی مطرح شد.^(۲) بدون تردید برگردان نوشته‌های کانت از زبان آلمانی به انگلیسی در باب فلسفه سیاسی، فلسفه تاریخ، فلسفه حقوق و انسان‌شناسی، نقش اساسی در شناساندن وی به عنوان یک فیلسوف برجسته سیاسی داشته است.

در مورد علت‌های نادیده‌انگاری و یا غفلت از فلسفه سیاسی کانت، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

نخست اینکه؛ استیلا و نفوذ گسترده فلسفه سودگرایی^۱ به ویژه در انگلستان که پیش‌تازان و نظریه پردازان آن جیمز میل^۲ (۱۸۳۶ - ۱۷۷۳) جرمی بنتام^۳ (۱۸۳۲ - ۱۷۴۸) و جان استوارت میل^۴ (۱۸۰۶ - ۱۸۷۳)، هر سه از آنجا سر بر آورده بودند، مانعی بر سر راه فلسفه سیاسی کانت بود که در تقابل جدی با فلسفه سودگرایی قرار دارد.

دوم اینکه؛ رشد و نفوذ اندیشه سیاسی هگل^۵ (۱۸۳۱ - ۱۷۷۰)، بسیاری از اندیشه‌وران را با جاذبه‌ها، پیچیدگی‌ها و دلالت‌های ویژه آن درگیر ساخت. اینان از رهگذر فهم فلسفه هگل به مطالعه و پژوهش در فلسفه کانت پرداختند. بنابراین، رهیافت این اندیشه‌وران به آراء کانت، برای درک روشن اندیشه‌های هگل بود، نه کاوش مستقل در ژرفای فلسفه کانت.

سوم اینکه؛ کانت از میراث فکری پیشینیان و معاصران خویش همانند افلاطون^۶ (۳۴۷ - ۴۲۷ ق.م)، تاماس هابز^۷ (۱۶۷۹ - ۱۵۸۸)، جان لاک^۸ (۱۷۰۴ - ۱۶۳۲)، ژان ژاک روسو^۹ (۱۷۷۸ - ۱۷۱۲) و مونتسکیو^{۱۰} (۱۶۸۹ - ۱۷۵۵) بهره گرفته بود. از اینرو، برخی می‌پنداشتند که او در فلسفه سیاسی خود، آراء و آموزه‌های آنان را تکرار کرده و اندیشه‌های بدیع و تازه‌ای فراهم نیاورده است. در حالی که کانت از یکسو خود اندیشه‌های نوینی در فلسفه سیاسی مطرح ساخت؛ از سوی دیگر از آراء و آموزه‌های این اندیشه‌وران بهره گرفت، اما آنها را در شکلها و طرحهایی دیگر، در نظام فلسفی خویش

1. Utilitarianism

4. John Stuart Mill

6. Plato

9. Jean - Jacques Rousseau

2. James Mill

5. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

7. Thomas Hobbes

10. Montesquieu

3. Jeremy Bentham

8. John Locke